

جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن

سامره شاهی*^۱ و محمد علی فرجودی^۲

چکیده

زن زیباترین واژه‌ی آفرینش است و موثرترین عامل تربیت و نگاهبان سلامت روحی، روانی و جسمانی فرزند و جامعه است. در این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و داده‌ها از کتاب‌ها، قرآن کریم و احادیث گرد آوری شده است. هدف این پژوهش این است که روشن کند: دیدگاه اسلام در مورد فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان چگونه است؟ مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه چگونه است؟ حضور زنان در اجتماع اسلامی به چه صورت است؟ و دیدگاه اسلام درباره‌ی اشتغال و شخصیت زن چیست؟ با توجه به یافته‌های پژوهش، نتایج زیر بدست آمد: زن در راستای نقش تربیتی در خانواده می‌تواند در اجتماع به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازد. اسلام مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌شود بلکه برای این کار ارزش قائل است. زن از نگاه قرآن عضوی موثر در اجتماع است و باید مانند مردان در مسایل مهم اجتماعی نقش آفرینی کند. در کل، اسلام جامع‌ترین و کامل‌ترین نگرش نسبت به اشتغال و شخصیت زن دارد.

واژه‌های کلیدی: زن، اسلام، خانواده، اجتماع، اشتغال.

پیشگفتار

زن اساس و ریشه‌ی همه‌ی نیکی‌هاست. نقش کلیدی مادران در فرهنگ‌سازی موجب شده تا در نظام تربیتی و حقوقی اسلام، توجه، تأکید و اهتمامی ویژه به حقوق مادران شود. در آموزه‌های دینی ضمن تأکید بسیار بر مقام والای مادری و جایگاه زن به ضرورت احترام نسبت به برآوردن

۱- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده (مری).
* - نویسنده‌ی مسئول مقاله: Shahedi.samereh@yahoo.com

۲- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده.

حقوق مادران و توجه بسیار به سلامت جسمانی، روحی و روانی آنان کرده، چرا که سلامت جامعه به سلامت خانواده و نشاط، اقتدار و پویایی خانواده به مادر وابسته است. نقش محوری مادر در سازندگی کشور بر هیچ کس پوشیده نیست (مطهری، ۱۳۷۹).

قرآن مجید، زن و مرد را از لحاظ ارزش انسانی با همدیگر برابر می‌شناسد. در بخش تاریخی قرآن، الگوهای متعالی و رشد یافته‌ی انسان‌های آزاده، تنها مردان نیستند. بلقیس بانویی از پادشاهان کشور سبا بود که لشکریان و سپاهیان فراوان داشت و بر قلمرو بسیار گسترده‌ای حکمرانی می‌کند. مریم انتخابی لطیف از جانب خداوند برای نشان دادن ارزش زن از دیدگاه اسلام است (النساء آیه ۳۲).

زن، به عنوان آفریده‌ی خداوند، از نظر اسلام از ارزش و اهمیتی والا برخوردار است. از جایگاه‌های زن در اجتماع بشری، نقش تربیتی او در خانواده است که خود تأثیری به سزا در شکل‌گیری اجتماع دارد. این رساله جستاری است هر چند ناقص در رابطه با جایگاه شخصیت حقوقی او در قرآن کریم و تبیین برتری نگاه قرآن به زن، نسبت به سایر مکاتب و ادیان و همچنین، نقش زن در نظام خانواده به عنوان مهم‌ترین عامل رساندن انسان به سعادت، خوشبختی و کمال و حضور فعالانه‌ی او در اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی، جهت رشد و شکوفایی استعدادهای جامعه‌ی اسلامی است (جوادی آملی ۱۳۸۳).

تاریخچه‌ی این موضوع به آغاز تشکیل حکومت اسلامی پیامبر (ص) باز می‌گردد زیرا با ظهور اسلام، زن ارزش‌های انسانی خود را باز یافت، دیدگاه‌های جاهلی نسبت به وی مدفون گشت و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی حضور جدی یافت، اما طرح جدی‌تر این موضوع به دو سه قرن اخیر باز می‌گردد که با گسترش موج زن‌گرایی یا فمینیسم و آغاز جاهلیت مدرن، شخصیت زن تا حد یک کالای تجاری و اقتصادی تنزل یافت و بنیاد خانواده با عنوان دفاع از حقوق و آزادی زنان تخریب گردید. با آموزش‌های نادرست کلیسا و کتاب‌های تحریف شده عهدین بدبینی مغرب زمین به ادیان، بویژه اسلام، در زمینه‌ی حقوق زنان دوچندان شد و این بدبینی به مشرق زمین و کشورهای اسلامی نیز رسوخ کرد.

از این تاریخ به بعد، پرداختن به حقوق و جایگاه زنان در خانواده و اجتماع در چهارچوب مکتب اسلام و آرایه‌ی الگویی اسلامی جهت زنده کردن هویت واقعی زنان برای دلسوختگان اسلام فریضه و تکلیف الهی شد (فهم کرمانی ۱۳۴۷).

پندارهای نادرست که از اسلام در زمینه‌ی مسايل و حقوق زنان، بویژه حضور زنان در اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد، تصور این‌که اسلام به زن دید منفی دارد و همچنین،

پیدایش غده‌ی بدخیم فمینیسم که سعی در تخریب شخصیت زنان و بنیاد خانواده و مخدوش کردن چهره‌ی اسلام در این زمینه دارد، پژوهش در این زمینه را ضروری ساخته است. فاصله‌ی طولانی که بین زن در اسلام و زن در جامعه‌ی بشری و حتی در بین مسلمانان وجود دارد، تا حدی که گاه زنان از الگوهای ناب انسانی خویش بی‌خبرند و بی‌هویت در پی الگویی در نزد بیگانگان و گاه دشمنان می‌گردند. در این میان، انگیزه و بلکه احساس وظیفه ما را بر آن داشت تا نسبت به تبیین اهمیت جایگاه و نقش زن در شکل‌گیری نظام خانواده و پرورش انسان‌هایی وارسته به عنوان زیر بنای اجتماع و هم‌چنین، حضور پررنگ او در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی برای ساختن جامعه‌ی اسلامی، در راستای مکتب رفیع اسلام، اقدام نماییم.

اهداف پژوهش

- ۱- زن در راستای نقش تربیتی در خانواده می‌تواند در اجتماع به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازد.
- ۲- اسلام مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌شود بلکه برای این کار ارزش قایل است.
- ۳- زن از نگاه قرآن عضوی موثر در اجتماع است و باید مانند مردان در مسایل مهم اجتماعی نقش آفرینی کند.
- ۴- اسلام جامع‌ترین و کامل‌ترین نگرش نسبت به اشتغال زن و شخصیت زن دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و گردآوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای بوده که با استفاده از کتاب‌های گوناگون، نکاتی که به صورت پراکنده در آن‌ها وجود داشته، گردآوری شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

در مورد مسئله‌ی زن و حقوق و جایگاه او در خانواده و اجتماع در کتاب‌های زیادی، به صورت پراکنده از موضوع‌های گوناگون در این زمینه بحث شده است. از جمله، در کتاب‌های تفسیری، روایی و اخلاقی. این کتاب‌ها در واقع مرجع کتاب‌های اخیر می‌باشند. از جمله کتاب‌هایی که با عنوان کلی زن، در این باره بحث‌هایی ارائه نموده‌اند، می‌توان به نظام حقوق زن در اسلام، نوشته‌ی متفکر شهید مرتضی مطهری، زن در آئینه‌ی جمال و جلال، نوشته‌ی آیت الله جوادی؛ زن از

نظریه‌های مذاهب گوناگون، نوشته‌ی رضا افشارنیا؛ زن در آیین‌های تاریخ، نوشته‌ی علی اکبر علویقی؛ چهره‌ی زن در آیین‌های اسلام و قرآن، نوشته‌ی مرتضی فهیم کرمانی؛ حقوق زن، نوشته‌ی حمید کریمی؛ قرآن و مقام زن، نوشته‌ی سید علی کمالی؛ زن، نوشته‌ی مهدی مهریزی؛ حقوق زن در اسلام و جهان، نوشته‌ی یحیی نوری؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، نوشته‌ی علاءالدین علی بن عبدالملک هندی و منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، نوشته‌ی فردریش انگلس، اشاره کرد. البته، کتاب‌هایی با این موضوع خاص کم‌تر به چشم می‌خورند. هم‌چنین، در دهه‌های اخیر، رسالات متعددی در این زمینه نوشته شده است و در مقاله‌های زیادی در سمینارها با عنوان اسلام و فمینیسم؛ اشتغال زنان و زن، خانواده و اشتغال، ارایه شده است.

آذر گشسب (۱۳۷۲) پژوهش خود را با موضوع "مقام زن در ایران باستان" انجام داده است و بر این باور است که از دیدگاه اسلام جز تنگناهای اندکی که از ناحیه‌ی تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و مسئله‌ی حفظ عفت عمومی که بر اشتغال زنان تأثیر می‌گذارند، از دیگر جنبه‌ها، زنان از آزادی کامل و برابر شغلی با مردان برخوردارند و می‌توانند به فعالیت‌های گوناگون بپردازند و با توجه به راه حل شرط در ضمن عقد، مسئله‌ی لزوم احراز رضایت شوهر نیز به خودی خود سدی در راه اشتغال زنان نیست. افزون بر این، با کار فرهنگی و تصحیح ذهنیات نادرست می‌توان از بروز مشکل جلوگیری کرد (آذر گشسب، ۱۳۷۷).

فهیم کرمانی (۱۳۴۷) در پژوهش خود با عنوان "چهره‌ی زن در آیین‌های اسلام و قرآن" بیان می‌کند که پیامبر (ص) در هنگام جنگ برخی از زنان را مأمور مداوای مجروحان جنگی می‌کرد و هنگام حرکت به سوی میدان جنگ گروهی از زنان را که در معالجه‌ی بیماران و مجروحان تخصصی داشتند، با خود می‌برد و برای آنان در کنار میدان جنگ خیمه‌ای برپا می‌کرد تا به هنگام مجروح شدن سربازان با انتقال به خیمه‌ها، زنان به مداوای آن‌ها بپردازند و زنانی دیگر را که در مداوا معالجه تخصصی نداشتند، بمنظور دادن غذا و آب به سربازان و نگهداری از آذوقه و دیگر مسایل لشکر با خود به همراه می‌برد.

روایت‌هایی در زمینه‌ی مشارکت زنان در جنگ آمده است که چند مورد از آن‌ها ذکر می‌شوند.
«عن أنسٍ لَمَّا كَانَ يَوْمَ أَحَدٍ كَانَتْ عَائِشَةُ وَأُمُّ سَلْمَةَ تَنْقِزَانِ الْقُرْبَ وَ تَفْرَغَانِهِ فِي أَفْوَاهِ الْقَوْمِ»
(فهیم کرمانی، ۱۳۴۷)

از انس به هنگام جنگ احد عایشه و ام‌السلّمه نیام بسته به جنگ رفتند و قوم را با سخنانشان تشویق به جنگ می‌کردند.

ویل دورانت (۱۳۶۷) در کتاب تاریخ تمدن، افزایش داری‌های قابل انتقال و افزایش محصولات زمینی را به عنوان عواملی می‌داند که در فرمانبرداری زن نقش داشته‌اند.

ساوجی (۱۳۷۱) در پژوهش خود با موضوع «حقوق زن در اسلام و خانواده» به این نتیجه دست یافت که آیات قرآن کریم و سیره‌ی معصومان (ع) بیان‌گر این معناست که زن مسلمان باید در جامعه حضور همه‌جانبه داشته باشد و تمام توان خویش را در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی، در کنار انجام دادن رسالت مادری، بکار گیرد.

مجلسی (۱۴۰۳) در کتاب خود با عنوان بحار الانوار چنین می‌نویسد: «زن، ارزش و بهایی نیست، نه برای صالح آنان و نه برای ناصالحشان، اما صالح آنان، در مقابلش طلا و نقره برابری نمی‌کند و اما ناصالح آنان، ارزش خاک نیز ندارد و خاک بهتر از او است».

علویقی (۱۳۵۷) در پژوهش خود با عنوان "زن درآینه‌ی تاریخ" بیان می‌دارد که قرآن کریم با بیان نمونه‌هایی از زنان الگو، امکان دست‌یابی زنان به بالاترین مقام‌های جامعه را به تصویر کشیده است و با ارایه‌ی نمونه‌ای شایسته از زنی زمام‌دار پرداخته و با به تصویر کشیدن استعداد‌های لایتنه‌های زن، رشد همه‌جانبه‌ی او را به نمایش می‌گذارد و او را مجاز به مشارکت در امور سیاسی جامعه‌ی خود را می‌شمارد.

ادبیات پژوهش

قرآن تصویری از زنان ترسیم می‌کند که اگر مصمم باشند، می‌توانند در محیطی کفرآلود و شرک آمیز و سراسر رعب و وحشت ایستادگی کنند و جهانی را به سوی هدایت و روشنایی رهنمون باشند.

«قرآن کریم با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید: زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریدیم. قرآن درباره‌ی آدم اول می‌گوید: ما شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم (سوره‌ی نساء آیه‌ی ۱). درباره‌ی همه‌ی آدمیان می‌گوید: خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید (سوره‌ی زن، سوره‌ی آل عمران و سوره‌ی روم). در قرآن از آنچه در برخی از کتاب‌های مذهبی هست که زن از مایه‌ای پست‌تر از مرد آفریده شده و یا این‌که به زن جنبه‌ی طفیلی و جنبی داده‌اند و گفته‌اند که همسر آدم اول از عضوی از اعضای طرف چپ او آفریده شد، اثر و خبری نیست و اساساً در اسلام نظریه‌ی تحقیق‌آمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طبیعت وجود ندارد که هیچ، بلکه همه جا زنان دوش به دوش مردان مورد خطاب خداوند متعال قرار گرفته و به پرهیزگاری، تقوا و تعالی دعوت شده‌اند.

قرآن نیز داستان بهشت و آدم را مطرح کرده، ولی هرگز نگفته که شیطان یا مار، حوا را فریفت و حوا آدم را. محمدباقر مجلسی (۱۴۰۳ ق) چنین می‌نویسد:

(فدلاهما بغرور * در هر حال شیطان آن‌ها را فریفت) (اعراف/۲۲) با ریسمان پیوسیده غرور آن‌ها را به چاهسار رنج سرنگون کرد.

قرآن می‌گوید، به آدم گفتم خودت و همسرت در بهشت سکنی گزینید و از میوه‌های آن بخورید. قرآن آن‌جا که پای وسوسه‌ی شیطانی را به میان می‌کشد، ضمیر(ها) را به شکل تشبیه می‌آورد و می‌گوید: فوسوس لهما الشیطان - شیطان آندو را وسوسه کرد.

در رابطه با کار، فعالیت و پیامدهای آن قرآن می‌فرماید:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبْنَ وَ أَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ، إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (النساء/۳۲).

«آرزو نکنید آنچه را که خداوند به وسیله‌ی آن برخی از شما را به برخی دیگر برتری داده، برای مردان سهم و نصیبی خواهد بود از آن چه کسب کرده و بدست آورده و برای زنان نیز سهمی خواهد بود از آن چه کسب نموده است از خداوند درخواست فضل کنید که خداوند به هر چیزی دانا است».

در این آیه، حق اکتساب و فعالیت زن و مرد به موازات یکدیگر به رسمیت شناخته شده و پی آمد تحصیل مال را برای آن‌ها محفوظ دانسته، بدیهی است که تجویز و تریخ قرآن در رابطه با اکتساب و اشتغال مطلق است و شامل کلیه‌ی مشاغل اعم از تجاری، کشاورزی، صنعتی، هنری، آموزشی، خدماتی و غیره خواهد بود. به بیان دیگر، در بسیاری از شغل‌ها زن و مرد حق شرکت و اشتغال داشته و دارند و مزد و اجری که می‌گیرند، متناسب با کارآیی و بازدهی آن‌هاست و مالک آن هستند.

نگاهی به زندگانی حضرت خدیجه، نخستین بانوی بزرگ اسلام و کمک‌های بی دریغ وی به رسول خدا (ص) در پیشبرد اسلام و نیز نقش دخت والای آن حضرت، فاطمه زهرا (ع)، در دفاع از مقام ولایت و هم‌چنین، نقش زینب کبری در واقعه‌ی کربلا و وقایع پس از آن این حکم را مستحکم می‌کند.

«در روز نخست خلقت، آدم و حوا به گونه‌ی یکسان مخاطب خداوند قرار گرفته و هر دو به رعایت اوامر خداوند متعال موظف شده و به نزول و فرود آمدن بر زمین مامور گشته‌اند. خداوند هر دو را مامور به پذیرش هدایت الهی و در صورت تخلف تهدید به سرنوشت شومی کرده است».

با توجه به این نشانه‌ها مشخص است که خداوند برای هر دو یک تکلیف مشترک قرار داده و برای هر دو ارزشی یکسان قایل شده است زیرا دین مبین اسلام مرد و زن را در آفرینش از یک جنس می‌داند (جوادی عاملی، ۱۳۸۳).

از نظر قرآن، پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست بلکه به ایمان و عمل مربوط است. خواه از طرف زن باشد و یا از طرف مرد. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می‌کند.

قرآن در سیر من الخالق الی الحق، یعنی در حرکت بسوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قایل نیست، تفاوتی که اسلام قایل است، در سیر من الحق الی الخلق است، در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت پیغامبری که مرد را برای این کار مناسب تر دانسته است. انسان کامل زن نیز می‌تواند هدایت نفوس انسانی بویژه زنان را به دوش گیرد که خود عین استمرار حرکت انبیاء در مقام اولیاء است.

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

یافته‌ها در ارتباط با هدف نخست پژوهش

از نظر قرآن زنان می‌توانند همچون مردان در امور مهم سیاسی شرکت کنند (سوره نساء آیه‌ی یک).

(علویقی، ۱۳۵۷) امکان دستیابی زنان به بالاترین مقام‌های جامعه را به تصویر کشیده است و رشد همه جانبه‌ی او را به نمایش می‌گذارد و او را مجاز به مشارکت در امور سیاسی جامعه می‌کند. «عن أنسٍ لَمَّا كَانَ يَوْمَ أَحَدَ كَانَتْ عَائِشَةُ وَأُمُّ سَلْمَةَ تَنْقِزَانِ الْقُرْبِ وَ تَفْزَعَانِهِ فِي أَفْوَاهِ الْقَوْمِ». از انس به هنگام جنگ احد عایشه و ام‌السلّمه نیام بسته به جنگ رفتند و قوم را با سخنانشان تشویق به جنگ می‌کردند (فهیم کرمانی، ۱۳۴۷).

ساوجی بیان می‌کند که: زن مسلمان باید در جامعه حضور همه جانبه داشته باشد و تمام توان خویش را در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی، در کنار انجام دادن رسالت مادری، بکار گیرد (ساوجی، ۱۳۷۱).

نخستین مورد از آیات قرآن که بیانگر صلاحیت و شایستگی و هم‌چنین حق زنان در سهم‌گیری ایفای نقش در زمینه‌ی امور سیاسی و قدرت و حاکمیت است، آیات مربوط به ملکه‌ی سبا می‌باشد که در سوره‌ی نمل از آیه‌ی ۲۳ تا ۴۴ مطرح شده است. در این آیات، خداوند از زن هوشمند و بادراستی سخن می‌گوید که بر سرزمینی حکومت می‌کند و با دعوت حضرت سلیمان از کیش شرکت به دین توحید روی می‌ورد و اسلام می‌آورد. داستان ملکه‌ی سبا در قرآن کریم به خوبی یاد شده و مورد نقد و ذم قرار نگرفته است. از سوی دیگر، آیات قرآنی وی را فردی اهل رای و نظر، شور و مشورت و حق طلب معرفی می‌کند زیرا وقتی نام‌هی سلیمان به او رسید، با درایت به حل مشکل پرداخت و به سلیمان گروید:

«إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل/۲۳).
من (انجا) زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت.

«قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَىٰ كِتَابِ كَرِيمٍ» (همان ۲۹).

ملکه سبا گفت: «ای پسران [کشور] نامه‌ای ارجمند برای من آمده است.»
«قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُون» (همان/۳۲).
گفت: ای سران [کشور] در کارم به من نظر دهید که بی حضور شما [تا کنون] کاری را فیصله نداده‌ام. «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سَلِيمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (همان/۴۴).
ملکه گفت: پروردگارا من به خود ستم کردم و [اینک] با سلیمان در برابر خدا، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.»

«ابن خلدون بلقیس را طراح و سازنده‌ی سد ما رب می‌داند و او را دارای کشوری آباد دانسته که میوه‌هایی در آن یافت می‌شد که در جمله‌ی عالم نبود» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۳).
«اینکه خداوند از میان صحنه‌های گوناگون زندگی سلیمان صحنه‌ی ارتباط او با ملکه‌ی سبا را مطرح کرده و از سخنان ملکه‌ی سبا نیز جملاتی را بازگو می‌کند که نشانه‌ی عقل و هوشمندی بالای اوست و سپس داستان را بدون هیچ گونه نقد یا کنایه و تعریضی به پایان می‌برد، همه بیانگر نگاه مثبت قرآن به نفس و جایگاه ملکه‌ی سباست و نشان می‌دهد که زن از دیدگاه قرآن می‌تواند در بالاترین موقعیت سیاسی قرار گیرد» (پیام زن، ش ۵، مرداد ۱۳۷۱).
با توجه به یافته‌های بالا هدف یک پژوهش تایید و روشن شد که زن در راستای نقش تربیتی در خانواده می‌تواند در اجتماع به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازد.

یافته‌ها در ارتباط با هدف دوم پژوهش

آذر گشسب بر این باور است که: از دیدگاه اسلامی جز محدودیت‌های اندکی که از ناحیه‌ی تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و مسئله‌ی حفظ عفت عمومی که بر اشتغال زنان تأثیر می‌گذارند، از دیگر جنبه‌ها زنان از آزادی کامل و برابر شغلی با مردان برخوردارند و می‌توانند به فعالیت‌های گوناگون بپردازند (آذر گشسب، ۱۳۷۷).

فهم کرمانی بیان می‌کند که پیامبر (ص) در هنگام جنگ برخی از زنان را مأمور مداوای مجروحان جنگی می‌کرد و هنگام حرکت به سوی میدان جنگ گروهی از زنان را که در معالجه‌ی بیماران و مجروحان تخصصی داشتند، با خود می‌برد و برای آنان در کنار میدان جنگ خیمه‌ای بر پا می‌کرد تا به هنگام مجروح شدن سربازان با انتقال به خیمه‌ها، زنان به مداوای آنان بپردازند.

زنانی دیگر را که تخصص در مداوا و معالجه نداشتند، بمنظور دادن غذا و آب به سربازان و نگهداری از آذوقه و دیگر مسایل لشکر با خود به همراه می‌برد (فهیم کرمانی، ۱۳۴۷).

اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان از منظر دین امری روا و جایز است «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (النساء/۳۲).

«برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.»

در این آیه هم کسب و هم مالکیت زن و مرد تقریر شده است. تفکیک زن و مرد برای زدودن ذهنیت نادرست انحصار مالکیت و کسب تلاش اقتصادی به مردان است.

با توجه به این یافته‌ها هدف دوم پژوهش مشخص می‌گردد.

در ارتباط با هدف سوم پژوهش روشن شد که: زن از نگاه قرآن عضوی موثر در اجتماع است و باید مانند مردان در مسائیل مهم اجتماعی نقش آفرینی کند. تاریخ اسلام شاهد این است که زنان مسلمان از صدر اسلام همواره فعالانه در جامعه حضور داشته و در کنار مردان نقشی مهم در امور اجتماعی و بویژه گسترش اسلام ایفا کرده اند.

« در روز نخست خلقت، آدم و حوا به گونه‌ی یکسان مخاطب خداوند قرار گرفته‌اند.»

خداوند برای هر دو ارزش یکسانی قایل شده است زیرا که دین مبین اسلام مرد و زن را در آفرینش از یک جنس می‌داند (جوادی عاملی، ۱۳۸۳).

اشتغال زنان در عصر پیامبر (ص) به شکلی گسترده به چشم می‌خورد. در تمامی شغل‌های رایج آن زمان زنان حضور داشتند و زینب عطاره، شغلش فروش لوازم آرایش زنانه بود (صدوق، قم ۱۳۹۸، ه. ق.).

رائطه بنت عبدالله بن الثقیفه و همسر عبدالله بن مسعود است، وی درآمد خود، همسر و فرزندان را از راه صنعتگری تامین می‌کرد (الطبری، ج ۲۴)

قرآن می‌فرماید:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهٖ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ، إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (النساء/۳۲).

«آرزو نکنید آنچه را که خداوند به وسیله‌ی آن برخی از شما را به برخی دیگر برتری داده، برای مردان سهم و نصیبی خواهد بود از آن چه کسب کرده و بدست آورده و برای زن‌ها نیز سهمی خواهد بود از آن چه کسب نموده است. از خداوند درخواست فضل کنید که خداوند به هر چیزی داناست.»

در این آیه، حق اکتساب و فعالیت زن و مرد به موازات یکدیگر به رسمیت شناخته شده است.

با توجه به یافته‌های بالا هدف دوم پژوهش تایید و روشن شد که اسلام مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌شود بلکه برای این کار ارزش قایل است.

یافته‌ها در ارتباط با هدف سوم پژوهش

اسلام جامع‌ترین و کامل‌ترین نگرش نسبت به اشتغال زن و شخصیت زن دارد. از نظر قرآن، پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست، به ایمان و عمل مربوط است. خواه از طرف زن باشد و یا از طرف مرد. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می‌کند.

قرآن در سیر من الخالق الی الحق، یعنی در حرکت بسوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قایل نیست، تفاوتی که اسلام قایل است، در سیر من الحق الی الخلق است، در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت پیغامبری که مرد را برای این کار مناسب‌تر دانسته است. انسان کامل زن نیز می‌تواند هدایت نفوس انسانی بویژه زنان را به دوش گیرد که خود عین استمرار حرکت انبیاء در مقام اولیاء است.

اسلام اصل علت غایی را در کمال صراحت بیان می‌کند و می‌گوید: زمین و آسمان، ابر و باد و گیاه و حیوان، همه برای انسان آفریده شده‌اند، اما هرگز نمی‌گوید زن برای مرد آفریده شده است. بلکه می‌گوید هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده‌اند. هن لباس لکم و انتم لباس لهن زنان زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آن‌ها. بر خلاف پاره‌ای باورها که زن را از نظر مرد شر و بلایی اجتناب ناپذیر می‌دانسته‌اند، قرآن کریم وجود زن را برای مرد، خیر و مایه‌ی آرامش دل او معرفی می‌کند.

داستان‌های تاریخی قرآن نشان می‌دهد که زنان مانند مردان می‌توانند در راه حق و برقراری آن در جامعه پا به پای مردان به مبارزه بپردازند.

زن و مرد از نظر آفرینش و خلقت با یکدیگر برابر بوده و ارزش انسانی واحد و مشترکی دارند، در خانواده و جامعه هر کدام مکمل یکدیگرند. هر دو می‌توانند درجات تکامل را طی کرده، اما آنچه موجب عدم تشابه نقش اجتماعی زن و مرد در قرآن می‌شود، ویژگی‌های جسمانی و روانی خاص زن و مرد است؛ بر این اساس، تکالیف مرد در قرآن فرق دارد.

«وَلْتَكُنْ أُمَّهُ يُدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران ۱۰۴).

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به کارهای پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید».

قرآن کریم وظیفه‌ی کنترل و اصلاح اجتماعی را در تمام حوزه‌های قرآن، مسئولیت همگانی و عمومی مردم می‌داند و در برخی موارد حتی تصریح دارد که زن و مرد را در انجام این رسالت و مسئولیت سهم مساوی دارند و باید متصدی این فریضه و تکلیف الهی شوند.

«لولم یتکن فی المناکحه آیه منزله و لاسنه متبعه، لکان ما جعل الله فیہ من بر القریب و تالف بعید، ما رغب فیہ العاقل البیب و سارع الیه الموفق المصیب» (مجلسی، ۱۴۰۳)

پیش‌تر بیان شد که قرآن کریم خاستگاه غریزی و فطری پیوند زناشویی و تشکیل این نهاد را آفرینش زن و مرد از یک حقیقت (من أنفُسُکُم) و عشق و مهربانی (موده و رحمه) و آرامش خاطر (لتسکنوا الیها) می‌شمارد و آن را از جمله آیات الهی معرفی می‌کند (الروم/۲۱) و در جای دیگر جایگاه زن و شوهر و نسبت میان آن دو را با استعاره زیبا و گویای «لباس» که یکدیگر بودن بیان می‌کند. در این نهاد، مرد در موقعیتی قرار می‌گیرد که به بیان نبوی (ص)، پس از اصل دین، فایده‌ای برتر و منفعتی بزرگ‌تر از داشتن همسری مسلمان و سازگار و مسئولیت‌شناس، نبوده است و «زن» پس از اصل دین که نیاز فطری انسان‌ها و حاکم بر همه‌ی آن‌هاست، در بالاترین مرتبه‌ی برکت و سودمندی قرار می‌گیرد: «ما استفاد امرء مسلم فائده بعد الاسلام افضل من زوجه مسلمه، تسیره اذا نظر الیها، و تطیعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها فی نفسها و ماله» (صدوق، ۱۳۹۰ ه.ق).

زن در واقع مهم‌ترین رکن خانواده است که با محوریت او در راستای امر الهی قداست و شرافت خانواده حفظ می‌شود.

با توجه به یافته‌های بالا هدف سوم پژوهش روشن‌تایید و نتیجه‌گیری می‌گیریم که زن از دیدگاه قرآن عضوی موثر در اجتماع است و باید مانند مردان در مسایل مهم اجتماعی نقش آفرینی کند.

یافته‌ها در ارتباط با هدف چهارم پژوهش

الف- نقش جنسیت در اشتغال

یکی از مسایل اساسی در انتخاب شغل، عبارت از احراز شرایط متناسب شاغل با شغل مورد نظر است. پیش از تصدی شغل، ویژگی‌های داوطلب مورد رسیدگی قرار می‌گیرد تا روشن شود آیا تناسبی با شغل مورد نظر دارد یا نه؟ در اینجاست که بحث جنسیت، جایگاه مهم خود را پیدا می‌کند. مرد یا زن بودن می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، انتخاب را تحت تاثیر قرار دهد. البته، افزون بر برخی ویژگی‌های شغلی که اقتضا می‌کند به تناسب آن منحصرأ مرد یا زن انتخاب شوند، برخی عوامل فرهنگی نیز در این مقوله، بی‌تاثیر نیست. فرهنگ‌ها با توجه به ارزش‌گذاری‌های متفاوتی که نسبت به شخصیت زن دارند در باب اشتغال زنان هم دارای برداشت‌های متفاوتی می‌باشند. برای مثال:

«در آلمان از میان دختران و زنان ۱۵ تا ۶۰ ساله شاغل که حدود ۴۰٪ از نیروی کار در این کشور تشکیل می‌دهند بیش از ۷۰٪ آن‌ها در رده‌های پایین اشتغال قرار دارند و اغلب در زمینه‌ی مشاغل خدماتی بکار مشغولند» (مجله‌ی ندها، ۲۷).

«قانون برخی از کشورهای اروپایی مانند فرانسه که جز کامل‌ترین قوانین اروپایی است اداره‌ی کلیه‌ی اموال زن (اعم از این‌که پیش از پیمان زناشویی تحصیل شده یا پس از آن) به مرد محول گردیده است» (محقق داماد، ۱۳۶۸).

در مقابل نگرشی دیگر نیز وجود دارد که برای زن هیچ‌گونه حقوق طبیعی قایل نمی‌باشد و او را صرفاً ابزاری برای تمتع هر چه بیش‌تر می‌پندارد. منزلت زن را در رفع نیازهای جنسی می‌یابد و حقی برای او در مسئولیت‌پذیری و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و انتخاب رأی متصور نیست (محقق داماد، ۱۳۶۸).

اما دیدگاه اسلام با نگرش واقع‌بینانه اعم از زن و مرد، تمام ویژگی‌های مثبت و منفی او را در راستای رسیدن به غایت او تفسیر می‌کند. اسلام غایت انسانی را در قرب به خدا به عنوان نهایی‌ترین و کامل‌ترین هدف هستی می‌داند و از این رو، به تبیین وظایف فردی و اجتماعی زنان و مردان می‌پردازد.

با این دید، اگر بخواهیم نظر اسلام را در مورد اشتغال جویا شویم، می‌توان گفت که شغل و اشتغال در هر سطحی از مراتب آن، مطلوبیت استقلالی ندارد بلکه تنها وسیله و ابزاری تلقی می‌شود که با حفظ شرایط و خصوصیات می‌تواند مقرب انسان به خدا باشد. از این جهت، ممدوح بشمار می‌آید و در غیر این صورت چیزی جز مانع رسیدن به هدف واقعی تلقی نمی‌گردد.

ب- چگونگی معاشرت زنان در قرآن

معاشرت زنان از جهات گوناگون در قرآن مورد توجه قرار گرفته و دین مقدس اسلام به شکل صریح با الگویی مناسب به بیان دقیق این مسئله پرداخته است و احکام دقیقی برای حفظ سلامت جامعه در زمینه‌ی روابط زن و مرد تشریح کرده و آنان را ملزم به رعایت آن ساخته است. در سوره‌ی مبارکه‌ی نور پس از آن که مردان مومن از نگاه ناپاک و چشم‌چرانی نهی می‌شوند، به زنان مومن نیز چنین دستور داده می‌شود و خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (النور / ۳۱) .

«و به زنان مومن بگو غضن بصر داشته باشند».

در این آیه‌ی شریفه واژه‌ی «غَضْنَ» به معنی کاهش دادن است و «غَضَّ بصر» یعنی کاهش دادن نگاه، خیره نشدن، تماشا نکردن و به اصطلاح، نظر استقلالی نیفکندن و معنی آیه چنین است که

به زنان مومن بگو خیره نشوند و چشم چرانی نکنند. بنابراین، زنان مومن با توجه به این آیه همانند مردان ملزم به پرهیز از هر گونه نگاه ناپاک شهوت آلود شده‌اند (مطهری، ۱۳۷۰).

در حکم دیگری که در زمینه‌ی چگونگی برخورد زن و مرد در آیه ۳۱ سوره‌ی نور آمده است. لزوم رعایت حجاب و پوشش مناسب در مقابل نامحرم است.

«لِيَضْرِبَنَّ بِخَمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»

و باید که فرو گذارند مقنعه هاشانرا بر گریبانهاشان

ج- منع اختلاط زن و مرد در برابر حق فعالیت زن

از جمله مسائلی که در برابر حق فعالیت زن در اجتماع، مطرح است مسئله‌ی اختلاط زن با مردان است. بدین معنی که به فرض موافقت مرد با خروج زن از خانه و اجازه‌ی اشتغال وی به مشاغل اداری و غیره، مانع دیگری که در این راستا به چشم می‌خورد، مسئله‌ی حشر و نشر زنان با مردان نامحرم است. کسانی که اختلاط را مانعی برای اشتغال زن در محیط جامعه‌ی مردان تلقی می‌کنند به آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب استناد کرده‌اند که قرآن در خطاب به زنان پیامبر (ص) می‌فرماید:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (الاحزاب/۳۳).

«در خانه‌های خود قرار بگیرید و ظاهر مسازید زینت بمردان بیگانه ظاهر ساختن جاهلیت پیشین، نماز را به پا بدارید و زکات بدهید و از خدا و رسول او اطاعت نمایید».

با بررسی برخی آیات و روایات اسلامی مشخص می‌گردد که تاکید و سنت بر حضور پاک و بدون گناه مردان و زنان در صحنه‌های اجتماعی در قالب اشتغال و یا تامین دیگر نیازهای مشروع فردی و اجتماعی است و از این جهت فرقی بین زن و مرد نیست اگر چه ممکن است طهارت و پاکی در هر کدام از دو جنس مرد و زن متفاوت باشد، اما آنچه مهم است لزوم رعایت آن برای هر دو می‌باشد.

د- آزادی اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی

اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان از منظر دین امری روا و جایز است. البته، اهمیت اول از آن خانواده است، ولی هیچ گاه وظایف خانواده با تمامیت و کلیت اشتغال و فعالیت اقتصادی تزاخم ندارد.

در اینجا مواردی را از قرآن که خود شاهدهی بر این مدعا است، بیان می‌کنیم.

۱- قرآن کریم کسب و تلاش اقتصادی زنان و مردان را تایید کرده و مالکیت زنان را بر آن مترتب ساخته است.

«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ» (النساء/۳۲).
 «برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.»

در این آیه، هم کسب و هم مالکیت زن و مرد تقریر شده است. تفکیک زن و مرد برای زدودن ذهنیت نادرست انحصار مالکیت و کسب تلاش اقتصادی به مردان است.
 باید توجه داشت که فرینه‌ای در آیه نیست که آن را مخصص کسب اعمال معنوی و اخلاقی سازد. بر همین اساس برخی مفسران سه احتمال را در این آیه بیان کرده‌اند:
 « اجر و پاداش اعمال، کسب و فعالیت اقتصادی، میراث » (الطاهر بن عاشورالدار، ۱۳۹۸) و برخی دیگر از دو احتمال گیاد کرده‌اند:

« اجر و پاداش و عمل و میراث » (الزحیلی، بیروت، ۱۴۱۱ ه.ق.)

۲- قرآن کریم از دختران شعیب در حال انجام فعالیت اقتصادی اجتماعی یاد می‌کند و حیای آنان را در عمل باز می‌گوید. ارتباط زنان و مردان به وضوح در این آیات مشاهده می‌گردد.
 دختران شعیب که به علت فترت پدر در اثر کهولت سن جایگزین او در کار نگهداری گوسفندان شده بودند، هر روز برای سیراب کردن گوسفندانشان تا پایان کار چوپانان صبر می‌کردند و پس از آن به آب دادن گوسفندان خود می‌پرداختند.

«قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصْدِرَ الرَّعَاءُ» (القصص/۲۳).

گفتند: ما آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند.

«تعبیر «نسقی» حاکی از عادت است که دختران شعیب هنگام آب دادن به گوسفندان داشتند، یعنی آن‌ها به صورت عادت، هنگام مواجهه‌ی با مردان به دلیل عفت و حجب نزدیک نمی‌آمدند تا پس از جدا شدن مردان، از سیراب کردن گوسفندان خود اجتناب می‌کردند» (طباطبایی، ج ۴).

پس از رجوع دختران به خانه و نقل ماجرا برای پدرشان، شعیب تصمیم می‌گیرد تا برای جبران خدمت موسی او را به منزل دعوت کند به همین منظور، یکی از دختران خود را به پیش موسی می‌فرستد تا دعوت خود را به او ابلاغ کند.

قرآن کریم وقتی می‌خواهد نحوه ابلاغ این پیام را به حضرت موسی (ع) از سوی یکی از دختران بیان کند. به برخی از جزئیات آن اشاره می‌کنند.

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ» (القصص/۲۵).

«ناگهان یکی از آن دو به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام بر می‌داشت.»

در این آیه به خوبی چگونگی لزوم حضور زنان در اجتماع و مواجهه با مردان بیگانه بیان شده است. آوردن عنوان «استحیاء» آن هم با تنوین نکره نشان دهنده‌ی عظمت این حالت است. بیان این مطلب به ظاهر جزئی در ضمن قصه‌ی حضرت موسی نشان دهنده‌ی اهمیت حفظ عفت و حیاء از جانب زنان می‌باشد. البته، این حفظ عفت و حیاء تنها از ناحیه‌ی زنان ملزم به مراعات نگردیده است بلکه در زیر همین آیه روایتی است که بیان می‌کند وقتی قرار بر این می‌شود که حضرت موسی به همراه یکی از آن دختران به نزد شعیب بروند، حضرت پیشنهاد می‌کند که خود به جلو بروند و آن دختر از پشت سر او را به مقصد هدایت کند «و جهنی الی الطریق و امشی خلفی فان بنی یعقوب لا تنظر فی اعجاز النساء». مرا به راه هدایت کن و از پس من راه برو زیرا فرزندان یعقوب (ع) هیچ گاه نظر به پشت سر زنان نمی‌کنند (طباطبایی، الجزء العشرون). مضمون این آیه می‌تواند به عنوان یک مدل عینی و عملی برای زنان که خواستار حضور در اجتماع در قالب اشتغال و یا جهات مشروع دیگرند، مطرح گردد. این آیه که ناظر به بیان ویژگی‌های مثبت زنان به هنگام حضور در اجتماع است، مصداق حیاء را مشخص می‌نماید.

۳- اشتغال زنان در عصر پیامبر (ص) به شکلی گسترده به چشم می‌خورد. در تمامی شغل‌های رایج آن زمان زنان حضور داشتند. زینب عطاره، شغلش فروش لوازم آرایش زنانه بود (صدوق، قم ۱۳۹۸).

رائطه بنت عبدالله بن الثقیفه و همسر عبدالله بن مسعود، درآمد خود، همسر و فرزندانش را از راه صنعتگری تامین می‌کرد (الطبری، ج ۲۴)

ه- بررسی روایات شرکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی

در بررسی روایات در خصوص شرکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و حضور آنان در خارج از خانه با دو دسته از روایات مواجه می‌شویم. دسته‌ای از آنان به منع حضور زنان پرداخته‌اند این دسته از روایات به گونه‌ی مستقل نهی (به معنی اعم) از حضور زنان در خارج از منزل نموده بلکه بیش‌تر ناظر به شیوه‌ی این حضور می‌باشد، اما دسته‌ی دیگر روایات هستند که نهی را مستقیماً متوجه اشتغال و سرپرستی زنان کرده‌اند، اما دسته‌ی نخست از روایات که به مذمت (اعم از حرمت و کراهت) حضور زنان در اجتماعی که مردان نیز در آن حاضرند، پرداخته، بیش‌تر ناظر به چگونگی این حضور می‌باشد؛ مانند:

«یدافعن الرجال فی الطریق» (شیخ حر عاملی، ج ۱۴، باب ۱۳۲، حدیث ۱).

برخورد زنان با مردان در مسیر راه.

«سائکم یخرجن الی السوق و یزاحمن الطوح» (همان، حدیث ۲).

زنانتان به بازار می‌روند و حال آن که با مردان کافر تراحم پیدا می‌کنند و نیز از خروج زنان به صورت آرایش کرده نهی شده است (مجلسی، ج ۱۰۳، روایت ۳۸).

ملاک برای ترتیب حکم نهی بر حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی قرار گرفته است. ذکر این روایات برای نمونه، صرفاً برای بیان ویژگی‌های حضور زنان در اماکن عمومی است که مردان نامحرم نیز حضور دارند و از آن جا که اشتغال مستلزم این حضور است، لازم است به روایاتی نیز که در بردارنده‌ی لزوم حیاء و عفت در هنگام حضور در اماکن عمومی است، توجه شود. بنابراین، بر اساس برداشتی که از روایات می‌شود، اشتغال زنان در صورتی بلامانع است که موجب مفسده‌ی نوعی نگردد و اگر فرض شود که سازمانی ویژگی حضور کارکنان مرد و زن آن به گونه‌ای است که مفسده انگیز است، باید با رعایت همه‌ی جوانب به گونه‌ای تغییر ساختار یابد که زمینه‌ی وجود مفسده از بین برود تا کاری خلاف شرع صورت نگیرد.

از موارد دیگری که می‌تواند ملاک منع خروج زنان از خانه و تبع آن اشتغال آنان باشد، عدم توافق شوهر با خروج از خانه است. چنانکه برخی فقها خروج زنان را از خانه به هر منظوری که باشد، به موافقت شوهر منوط دانسته اند (خویی، ۱۴۰۸). این دیدگاه فقهی منشأ تدوین ماده‌ی ۱۱۷ انون مدنی جمهوری اسلامی ایران گردیده است که به موجب آن شوهر می‌تواند زن خود را از انجام حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا همسر او باشد، باز دارد. همان گونه که اشاره شد، این حق جواز منع برای شوهر در صورتی است که اشتغال به حرفه منافی با استمتاع زوج و مصالح خانوادگی باشد (محقق داماد، ۱۳۶۸).

روایاتی که به گونه‌ی مستقیم ناظر به عدم سپردن کار و شغل به زنان است.

۱- عن عمرو بن ب ابی المقدم و عن. عن ابی عبدالله (ع) قال فی رساله امیر المومنین (ع) الی الحسن (ع): «لا تملک المرأة من الامر ما یجاوز نفسها فان ذلک انعم لخالها و ارضی لبالها و ادوم لجمالها فان المرأة ریحانه و لیس بقهرمانه» (الکلینی الرازی، ۱۳۴۸).

«به زن بیش از حد توانش کار واگذار نکن و این برای حال او بهتر و برای زندگی او مناسب‌تر است زیرا زن ریحانه است و قهرمانه نیست».

این روایت به این مطلب اشاره دارد که با توجه به وضعیت احساسی و عاطفی زنان شایسته نیست که وظایفی به آنان واگذار شود که آسایش و آرامش آنان را بر هم زند. البته، این امر عقلانی است که نباید بیش از حد توان افراد به آنان مسئولیت سپرد و در این روایت حد توان زنان با ریحانه بودن مشخص شده است. این به اصطلاح کبرای قضیه، امری مسلم و عقلانی است، اما باید در مرحله‌ی تطبیق دقت کرد تا به صورت حدسی و سلیقه‌ای زنان را از گردونه‌ی بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی خارج نکند.

امروزه با استفاده از دانش بشری می‌توان توانمندی افراد را برای مسئولیت‌پذیری و واگذاری بسیاری از وظائف افزایش داد به گونه‌ای که افرادی مانند معلولان جسمی و روحی با برخورداری و کاربرد دانش و ابزار علمی آماده‌ی بروز خلاقیت‌ها و در نتیجه حضور فعال در صحنه‌های اجتماعی می‌یابند.

اگر در حال حاضر می‌توان معلولان جسمی و روحی را به این حد از توازن رسانید، آیا علم و توسعه‌ی دانش بشری در به فعلیت رساندن استعدادهای زنان توانا نمی‌باشد؟ بنابراین، نتیجه می‌گیریم که مضمون این روایت ناظر به امر عقلانی است و لذا، نهی در آن حمل بر ارشاد می‌شود. دوم آن‌که این دلالت ارشادی در حد کبرای قضیه مسلم است، اما در مقام تطبیق بر مصداق آن می‌توان با استفاده از جنبه‌های نظری و ابزاری علم، حیطةی این تطبیق را مشخص کرد.

۲- «حدثنا احمد بن الحسن القطان قال حدثنا الحسن بن علی العسکری - عن جابر بن یزید الجعفی قال: سمعت ابا جعفر محمد بن علی الباقر(ع) یقول. ولا تولی المرأة القضاء و لا تولی الامارة و...» (صدوق، ۱۴۰۸ ه.ق، باب الثلاث و سبعین خصال).

«سند این حدیث از جهت اشتغال آن بر ابا جعفر محمد بن علی الباقر(ع) که شخص مجهول است، مورد مناقشه قرار گرفته است و برخی از علماء رجال عامی بودن او را بعید ندانسته‌اند» (محمد تقی تستری ۱۴۱۰ ق).

با صرف نظر از سند باید بررسی کرد آیا روایت از جهت دلالت منعی برای اشتغال زنان به طور کلی ایجاب می‌کند. ظاهر روایت، امارت را نفی کرده است. از آن جا که پیش و پس از این بخش از روایت، تعبیری است که دلالت بر نفی لزوم موضوعاتی از زنان می‌کند، مانند نفی لزوم نماز جماعت و جمعه از زنان، احتمال می‌رود که این قرینه باشد بر دلالت جمله‌ی «لا تولی الاماره» بر نفی لزوم از زنان در پذیرش امارت، اما اگر این احتمال را وارد ندانستیم و ظاهر لاتولی را به معنای حقیقی آن که نفی است، گرفتیم، دلالت روایت بر منع شرعی از پذیرش امارت از سوی زنان تمام می‌شود، اما باید مشخص گردد که واژه‌ی امارت بر چه منصب و مقامی دلالت می‌کند.

«معنای واژه‌ی «اماره» آنچنان که برخی از ارباب لغت بر آن اشاره دارند، به معنای سلطنت مطلقه است. این واژه مصدر امر است و واژه‌ی امیر هم از همین ماده امر مشتق شده است.

«أمر الرجل يأمر اماره اذا احصار علیهم امیراً» (ابن منظور، بیروت، بی تا).

زمانی که فرمانروایی را بر آنان بگمارند.

با فرض پذیرش سند دلالت روایت می‌توان نتیجه گرفت که آنچه این روایت در حدود نفی آن برای زنان است، عبارت از سلطنت و یا حکومت مطلقه است نه مطلق سلطنت و حکومت یا اشتغال

زیرا افزون بر دلالت مفهومی امارت بر سلطنت مطلقه، به ضرورت فقه زن می‌تواند ولایت بر برخی اموال پیدا کند. برای مثال، ولایت بر موقوفات و امثال آن.

۳- عن ابی بکر عن النبی(ع): لن یفلح قوم ولیتہم امراً.

هر قومی اگر زنی عهده دار ولایتشان گردد، رستگار نمی‌شوند.

این روایت از جهت سندی منتهی به ابی بکر می‌شود و کتاب‌های روایی اهل سنت این روایت را از او نقل کرده‌اند و تنها راوی هم خود اوست. ابی بکر داستان نقل روایت را چنین شرح می‌دهد. هنگام خروج عایشه و دعوت او از مردم به مخالفت و طغیان علیه امیرالمومنین علی (ع) وی نیز از سوی برخی به این طغیان دعوت شد. او برای امتناع از این دعوت، به این قول از پیامبر تمسک کرد که: هر قومی اگر زنی، عهده دار ولایتشان گردد، رستگار نمی‌شوند (نسائی، قاهره، مصر، بی تا).

این سخن از پیامبر، بنا بر نقل ابوبکر، در هنگامی بیان شد که ایشان شنیدند کسری پادشاه ایران وفات یافته است. حضرت سوال فرمودند جانشین او چه کسی شد در پاسخ گفتند که دختر کسری. پس از آن حضرت این جمله را فرمودند، قومی که ولایت آنان را زنی عهده دار گردد، رستگار نمی‌شوند.

«تعبیر «لن یفلح» که در صدر روایت آمده است، همچنان که برخی از فقها فرموده‌اند، منافاتی با جواز ندارد این تعبیر بیش‌تر ناظر به ارشاد است» (الخوئنساری ۱۳۶۴، کتاب القضاء).

چنانچه مقامی هم که روایت از پیامبر نقل شده حاکی از ارشادی بودن آن است.

واژه‌ی «ولایت» در روایت حیطة‌ای در حد حکومت و سلطنت را شامل می‌شود و نمی‌توان آن را حمل بر سرپرستی بر حیطة‌های کاری محدودتر کرد.

برای تأمل بیش‌تر در مضمون روایت بالا به عبارتی که از شهید مطهری در زیر همین روایت نقل شده، می‌پردازیم. استاد شهید با نقل این روایت و برداشتی که از منع شارع نسبت به تصدی زنان بر منصب حکومت در سطح کلان دارند، چنین می‌فرمایند: «وضعیت حکومت امروز با حکومت‌های گذشته فرق دارد. شایستگی‌هایی که امروز است با شایستگی‌هایی که در گذشته بوده، فرق دارد. در گذشته، حکومت‌ها استبدادی بودند. همین قدر است که حکومت را به دست یک کسی می‌دادند، معنایش این بود که همه‌ی افراد در یک کشتی نشسته باشند، یک کشتیبان هم داشته باشد و تمام مقررات هم دست او باشد.

» در این جور کارها بود که هر گونه مردی صلاحیت رهبری نداشت. اگر احیاناً یک مردی هم صلاحیت داشت، می‌بایست یک مردی بود که از نبوغ بالایی برخوردار باشد، این یک چیزی است که دنیای امروز عملاً همچون حق حکومتی، کسی نه برای مرد قایل است نه برای زن که تمام

اختیارات یک کشور را از اول تا آخر به قانون نگذراند، به اداره‌ی یک فرد بسپارند» (مطهری، تیر ۱۳۷۱).

با توجه به یافته‌های بالا مشخص می‌شود که از دیدگاه اسلام منعی بر تصدی اشتغال به وسیله‌ی زنان در صورت رعایت عفت و تقوای کامل وجود ندارد و احادیث ذکر شده نیز یا سند ضعیف بود و یا این که دلالت آن تصدی سطح کلان را شامل می‌شد و به مشاغل و مسئولیت‌های محدود و سرپرستی جزئی مربوط نمی‌شد.

نتیجه‌گیری

خداوند تبارک و تعالی با لحاظ نمودن جنبه‌های روان شناختی، زن و مرد را آفریده است و هر کدام با انجام وظایف خاص خود موجبات بقای نسل و اداره‌ی جامعه را فراهم نمایند. باور قرآن به آفرینش مستقل زن است.

وجود تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد را نمی‌توان عامل برتری مرد بر زن تلقی کرد چرا که هر کدام از آن‌ها به تناسب وظایفشان در طبیعت آفرینش مخصوص خود دارند و ملاک برتری فقط تقواست.

با بررسی اوضاع و احوال زنان در امت‌های عقب مانده و پیشرفته‌ی پیش از اسلام به این نتیجه می‌رسیم که در این میان، تنها اسلام است که در صدد شناخت زن و ارزش‌های وجودی وی پرداخته و جایگاه واقعی وی در صحنه‌ی اجتماع و سیاست را معرفی کرده است و هویت و ارزش از دست رفته‌ی زنان را در طول تاریخ به آن‌ها اعاده کرده و ایشان را به جایگاه مناسب خودشان سوق داده است.

خداوند در قرآن خانواده را مقدس‌ترین نهاد معرفی می‌کند. و زن و مرد را مایه‌ی آرامش و مکمل یکدیگر می‌داند. اسلام از طرفی اطاعت زن از همسر خویش را واجب می‌کند، اما از زن به طور کلی سلب اختیار نمی‌کند بلکه به او حریت، شخصیت و استقلال فکر و نظر می‌دهد و حقوق طبیعی او را به رسمیت می‌شناسد. قرآن شرافت مادی و نقش تربیتی زن در خانواده را ارزشی بی‌همتا معرفی می‌کند و زنان و مادران الگو و نمونه که همراه با نقش همسری و تربیتی در خانواده حضور فعال در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه داشتند را می‌ستاید.

آیات قرآن کریم و روایات معصومان بیانگر این معناست که زن مسلمان باید در جامعه حضور فعال و همه جانبه داشته باشد و تمام توان خویش را در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی، در کنار انجام دادن رسالت مادری، بکار گیرد.

قرآن کریم با بیان نمونه‌ای از زنان زمام دار، امکان دست یابی زنان بر بالاترین مقام‌های جامعه را به تصویر کشیده است و با به تصویر کشیدن استعداد‌های لایتنای زن، رشد همه جانبه‌ی او را به نمایش می‌گذارد. بنابراین، اسلام نه تنها با حضور زنان در صحنه‌های، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مخالف نیست بلکه در بسیاری از موارد به این حضور در کنار رسالت عظیم وی در خانواده تأکید نموده است و با وضع احکامی دقیق نظیر لزوم رعایت پوشش مناسب در برابر بیگانه، پرهیز از هر گونه آرایش و زینت و حرکات تحریک آمیز و پرهیز از اختلاط با مردان هنگام معاشرت با آنان، آنان را به حضور فعال در اجتماع و برآوردن نیازهای جامعه‌ی زنان و مردان تشویق می‌کند و این امر به صراحت در حکومت اسلامی پیامبر (ص) و ائمه‌ی معصومین قابل مشاهده است.

منابع

- ۱- قرآن کریم، مترجم عباس مصباح زاده. ۱۳۷۲ سوره نساء آیه ۱ و ۳۲، سوره اعراف آیه ۲۲، سوره نمل آیه ۴۴، ۳۲، ۲۹، سوره آل عمران آیه ۱۰۴، سوره روم آیه ۲۱، سوره نور آیه ۳۱، سوره احزاب آیه ۳۳، سوره قصص آیه ۲۵.
- ۲- نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی.
- ۳- ابن منظور، ج. بیروت، بی تا، لسان العرب.
- ۴- الزحیلی، و. بیروت. ۱۴۱۱. التفسیر فی العقیده و الشریعه و النهج، چاپ اول، دارالفکر معاصر.
- ۵- الخوانساری، س. ا. ۱۳۶۴. جامع المدرک فی شرح المختصر النافع. انتشارات صدوق.
- ۶- الطبری، ا. ع. ا. ب. ا. تهران. ۱۳۶۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه: دکتر محمد مفتوح و حسین نوری، انتشارات فراهانی.
- ۷- الکلبینی الرازی، ا. ج. م. ب. ی. ۱۳۴۸. الکافی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- ۸- المجلسی، م. ب. ۱۴۰۳. بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.
- ۹- تستری، م. ت. ۱۴۱۰. قاموس الرجال. الجزء الثانی، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۰- خوبی، ابوالقاسم. ۱۴۰۸. منهاج الصالحین. الاداب، ج ۲ ص ۳۱۴.
- ۱۱- صدوق (ابن بابویه)، م. ب. ع. ۱۴۰۸. الحضال، مجمع البحوث الاسلامیه.
- ۱۲- صدوق، ا. ج. م. ب. ع. ب. ا. ب. ۱۳۹۰. من لایحضره الفقیه، چاپ پنجم، انتشارات امام مهدی (عج)، ج.
- ۱۳- طاهر بن عاشور، م. ۱۳۹۸. تفسیر التحریر و التنویر، الدار التونسیه للنشر، ج ۵.
- ۱۴- طباطبایی، س. م. ج. ۱۳۶۳. میزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات محمدی، چاپ سوم.
- ۱۵- عاملی، ش. ح. ۱۳۹۱. بیروت دار احیاء التراث العربی، وسائل الشیعه الی التحصیل المسائل الشریعه. پژوهش عبدالرحیم الربانی شیرازی.

فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال اول، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۳۸۹ ۱۳۱

- ۱۶- مجلسی، م. ب. ۱۴۰۳. بیروت دارالحياء التراث العربی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۱۰۳.
- ۱۷- نسایی، ا. ب. ش. قاهره، مصر، بی تا. السنن، چاپ دوم.
- ۱۸- باستانی پاریزی، م. ا. ۱۳۶۳. جامع المقدمات، نشر کرمان، ج ۲.
- ۱۹- جوادی عاملی، ع. ۱۳۸۳. زن در آینه جلال و جمال، قم مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
- ۲۰- ساوجی، م. ۱۳۷۱. حقوق زن در اسلام و خانواده، تهران، انتشارات مجرد، چاپ اول.
- ۲۱- علویقی، ع. ا. ۱۳۵۷. زن در آئینه ی تاریخ. شرکت چاپ ۱۲۸.
- ۲۲- گشسب، آ. و موبد، ا. ۱۳۷۷. مقام زن در ایران باستان. بی جا، چاپ دوم.
- ۲۳- فهیم کرمانی، م. ۱۳۴۷. چهره ی زن در آئینه ی اسلام و قرآن. دفتر نشر اسلامی.
- ۲۴- محقق داماد، س. م. ۱۳۶۸. تهران، بررسی فقهی حقوقی خانواده. نشر علوم اسلامی.
- ۲۵- مجله نداء، وضعیت اجتماعی حقوق زنان در آلمان، ش ۲۷، سال نهم.
- ۲۶- مطهری، م. ۱۳۷۱. مجله پیام زن، سال اول، ش پنجم.
- ۲۷- مطهری، م. ۱۳۷۴. قم، نظام حقوق زن در اسلام، بی جا، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم.
- ۲۸- ویل دورانت، ۱۳۶۷. تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۲۹- شری، ا. ف. ۱۳۷۷. تهران، بار سنگین زنان شاغل، ترجمه مینا اغظامی، نشر البرز.

